



موسسه آموزش و مشاوره
مدیریت بال اندیشه سپاهان

موسسه آموزش و مشاوره مدیریت بال اندیشه سپاهان

عنوان دوره آموزشی

آشنایی با اندیشه های سیاسی و مدیریتی مقام معظم رهبری

تهیه و تنظیم:

جناب دکتر منتظری

آدرس: اصفهان. خیابان شریعتی. بعد از اورژانس. کوچه شهید حسینی. پلاک ۲۶

فاکس: ۶۲۷۸۷۹۴

تلفن: ۰۳۱۱ - ۶۲۹۴۱۴۸ - ۹

WWW.BaleAndisheh.com

Email: BaleAndisheh@hotmail.com

مولفه های اندیشه سیاسی از امام تا رهبری

پیروزی انقلاب اسلامی در عصری رخ داد که برگزینیان های حاکم بر شرق و غرب عالم نوعی نگاه مادی گرایانه حاکم بود و در نمای کلی اندیشه های راهبردی، گفتمان سیاسی جدیدی در دهه ۱۹۷۰ میلادی برای آگاهان امور تصور نمی شد.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری های حکیمانه امام در روند پیروزی و استقرار نظام سیاسی جدیدی که تنها نظام الهی است که علی رغم هجمه های فراوان سایر گفتمان های برخاسته از مدرنیته بر نظام سیاسی نخواست ایران جمهوری اسلامی مقتدرتر از گذشته به مسیر بالندگی و کارآمدی خود ادامه می دهد. بنابر این برای شناخت عناصر کلیدی گفتمان سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی که در حقیقت همان اندیشه ها و آرمانهای امام(ره) و رهبری انقلاب است باید با دقت در اندیشه امام و رهبری نگریست.

خطوط کلی و چهارچوب های اساسی که در اندیشه حضرت امام و رهبری بوده و نظام جمهوری اسلامی در آن مسیر حرکت کرده است را به طور خلاصه وار می توان به موارد ذیل مرتبط دانست:

اسلام: اصلی ترین منبع و عنصر کلیدی که بنیان های سیاست را در سپهر گفتمانی اندیشه امام و رهبری پایه گذاری می کند اسلام است. نگاه حداکثری امام و رهبری به اسلام در فرآیند مدیریت جامعه به عنوان منبع اصلی قوانین در حکومتداری و نوع و شیوه اداره جامعه یکی از اصلی ترین خطوط کلی اندیشه امام و رهبری را تشکیل می دهند. امام با به روز کردن نظریه ولایت فقیه و تشکیل ساختارهای اصلی جامعه بر مبنای اسلام رویکرد اصلی خود را در اداره جامعه منش اسلامی قرار دادند. و بعد از امام، رهبری انقلاب نیز این مسیر را ادامه دادند. امام و رهبری در مواجهه با مسائل مختلف جامعه بنای خود را بر شیوه اسلامی گذاشته و مهم ترین نکته ای که در برخورد با حوادث و مسائل گوناگون مبنای عملکرد امام و رهبری بوده است عمل در چهارچوب دستورات حکومتی اسلام بوده و هست و در تمامی موارد نظام سیاسی مد نظر امام و رهبری برخاسته از منابع اصلی اسلام است.

مردم: نگاه به مردم در چهارچوب اندیشه سیاسی امام و رهبری یک جایگاه واقعی و اصیل را داشته و دارد. امام چه در شروع مبارزه و چه در استمرار آن و چه در بعد از پیروزی همواره نگاه واقعی به مردم داشته و رهبری نیز سعی داشته و دارند تا با استفاده از قدرت مردم مشکلات موجود در مسیر انقلاب و مردم را برطرف کنند. در این مسیر امام بارها با درک نقش و جایگاه والای مردم در حکومت اسلامی خواستار مشارکت مردم بر سرنوشت سیاسی خود شدند و از طرف دیگر چون مردم به واقعی بودن نقش خود در حکومت واقف هستند با تعاملی دو سویه در نظام اسلامی یکی از بی بدیل ترین نظام های سیاسی دنیا را پایه گذاری کرده اند که در میزان مشارکت مردم بر سرنوشت خود یکی از بالاترین نصاب های دنیا را دارد و در نوع و کیفیت رابطه نیز صمیمی ترین نوع رابطه ها را مردم با رهبران خود را در نظام اسلامی دارند. از سوی دیگر رهبران جامعه مسائل و مشکلات و موفقیت ها را با مردم صادقانه در میان گذاشته و برای حل آنها از مردم کمک خواسته اند.

امام و رهبری مردم را صاحبان اصلی انقلاب و کشور می دانند و مردم را ولی نعمتان مسئولین می پندارند. و همواره سعی کرده اند حوادث و اتفاقات رخ داده در مسیر انقلاب را با مردم در میان بگذارند به همین خاطر است که بعد از گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی پیوند ملت و رهبری (چه در زمان امام و چه در زمان رهبر معظم انقلاب) علی رغم توطئه های فراوان دشمنان هر روز مستحکم تر از گذشته می شود.

تکلیف مداری: تکلیف مداری عنصر شاخص دیگری است که در اندیشه سیاسی امام و رهبری از جایگاه والایی برخوردار است. امام و رهبری مبتنی بر وظیفه شرعی خود و با توجه به برخورداری از عدالتی که لازمه رهبری جامعه اسلامی است هیچ گاه در انجام وظیفه خود در رهبری جامعه اسلامی دچار تردید و شک نشدند. امام و رهبری هرچند در انجام وظائف رهبری خود به عنوان رهبر جامعه از مشورت ها و مشاوره های فراوانی بهرمند می شوند اما هنگامی که در اجرای حدود الهی به تکلیف شرعی خود برسند جز انجام تکلیف شرعی خود نکته دیگری را مد نظر قرار نداده و هیچ گاه از تکلیف خود در رهبری و هدایت جامعه به سوی تعالی تخلف ننمودند.



موارد بسیاری از حوادث رخ داده در مسیر انقلاب نظیر عزل بنی صدر، پایان جنگ، مسئله منتظری، کوی دانشگاه، فتنه ۸۸ همین عمل به تکلیف بود که منافع کشور و انقلاب را تضمین نمود و انقلاب و ایران را از تهدیدها و خطرات بزرگ رهانید و نجات داد.

وحدت: امام و رهبری همواره تلاش داشته و دارند که یکپارچگی ملت را در مقابل بدخواهان داخلی انقلاب و دشمنان خارجی حفظ کنند. رهبران جامعه اسلامی نیک می دانند که تنها راه غلبه دشمنان بر ملت ایران استفاده از روشهای تفرقه آمیزی است که استعمار سالیان سال است از آن برای تسلط بر سایر کشورها بهره برداری کرده اند و برای حضور و تأمین منافع خود در کشور های اسلامی همواره برطبل تفرقه کوبیده اند. امام و رهبری با تکیه بر این تجربه تاریخی و مفید همواره تلاش کرده اند که در برابر حوادث گوناگون وحدت مردم و گروههای سیاسی را حفظ کنند. هر چند در این میان همواره گروه هایی بودند که به علت عدم تقوای جمعی و هوی و هوس های دنیوی راه خود را از مسیر انقلاب جدا کردند. اما همواره امام و رهبری در ضمن حفظ وحدت میان مردم و مسوولین جامعه یکپارچگی خود را حفظ کرده و در مسیر صحیح انقلاب قدرتمندانه جلو رفته اند.

تجربه تاریخی: حوادث و وقایع سیاسی اجتماعی ایران پس از نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه، به قدرت رسیدن رضاخان، کودتای ۲۸ مرداد، ملی شدن صنعت نفت و... تجارب مفیدی بودند که امام راحل و مجموعه رهبری نهضت را به واکاوی دقیق علل شکست های نهضت های قبلی ملت ایران واداشت. امام راحل با توجه به شرایط سنی خود تقریباً با بخش عمده ای از این تحولات معاصر بودند و برخورداری از ذکاوت و هوش بالایی که لازمه رهبری ملت مسلمان ایران بود باعث شد تا از تجارب تلخ و عملکردهای گروه های وابسته و نقش روشنفکران غرب زده و عناصر کم اراده و ترسو که باعث شکست تلاش های آرمان خواهانه ملت در برهه های مختلف شده بود درس عبرت بگیرند و در مسیر مبارزات انقلاب اسلامی تا پیروزی و حتی در مرحله استقرار نظام اسلامی تا پایان حیات خود اجازه ایفای نقش جدی به این عناصر را ندهند و شاید یکی از عناصر اصلی بروز موفقیت آمیز انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف همین نکته بوده است. بعد از رحلت امام نیز رهبری همان مسیر صحیح امام را در پیش گرفتند و در برهه های مختلف از تسلط جریان های غرب گرا و لیبرال بر مصادر اصلی جلوگیری کرده و با هشدار های خود مانع از تسلط نامحرمان بر جریان اصلی انقلاب شده اند.

تحلیل محورهای اصلی مدیریت مقام معظم رهبری از سال ۶۸ تا کنون

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، فقیه جامع الشرایط مسئولیت مدیریت و هدایت جامعه اسلامی ایران را بر عهده گرفت. بر اساس اندیشه سیاسی اسلام شیعی که توسط امام خمینی(ره) تحت عنوان نظریه حکومت اسلامی(ولایت فقیه) تدوین شد، در رأس نظام جمهوری اسلامی فقیه جامع الشرایط قرار می گیرد و مسئولیت هدایت و مدیریت جامعه بر عهده اوست. از آنجا که جامعه اسلامی به دنبال دستیابی به رفاه مادی و تعالی معنوی است؛ از این رو باید گفت رهبر در جامعه اسلامی از مسئولیت مدیریتی حساس و زیادی برخوردار است. از سوی دیگر جامعه اسلامی با چالش ها و بحرانهای پیچیده و بیشتری نسبت به سایر جوامع مواجه است؛ چرا که در دنیای امروز قدرتمندان جهانی به سرکردگی آمریکا حملات زیاد و گسترده ای را علیه جوامع اسلامی و به ویژه نظام جمهوری اسلامی دارند که این موضوع مسئولیت رهبر جامعه اسلامی در غلبه بر بحرانهای و هدایت جامعه را سنگین تر می کند.

در زمان رهبری امام خمینی(ره) با وجود اینکه جمهوری اسلامی هنوز نظامی نوپا بود و با چالش های زیادی از جمله حمله دشمن بعثی مواجه شد، اما مدیریت الهی حضرت امام توانست جامعه و نظام را از این بحرانهای حفظ کرده و در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهد. بعد از رحلت حضرت امام و آغاز رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، جامعه اسلامی ایران نیز با مسائل و مشکلات مختلف و پیچیده ای روبه رو شد که مطالعه نحوه مدیریت جامعه در این شرایط توسط مقام معظم رهبری نشان می دهد که معظم له به مثابه حضرت امام با تکیه بر ارزش های اسلامی و استفاده از توان عناصر متعهد داخلی، جامعه را از این خطرات نجات داده و مسیر رشد و پیشرفت مادی و معنوی آن را به نحو مطلوبی فراهم نموده اند. در این نوشتار به بررسی خطوط اصلی مدیریت مقام معظم رهبری بر جامعه اسلامی ایران می پردازیم. در ابتدا به لحاظ اهمیت تئوری و نظریه در چگونگی ایفای مدیریت، محورهای اصلی دیدگاههای مقام معظم رهبری در مدیریت جامعه و نظام اسلامی ایران بررسی می شود:



رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای که در سالهای حساسی رهبری جامعه اسلامی و مسلمانان و شیعیان جهان را بر عهده گرفته‌اند، برای مدیریت جامعه اسلامی، اصول مشخصی را ملاک عمل قرار داده‌اند که عبارتند از:

۱- اولین و مهم‌ترین اصلی را که مقام معظم رهبری در مدیریت کشور ملاک قرار می‌دهند، تمسک به اسلام و تدوین برنامه‌ها و حرکت جامعه بر این مبنا است. از دیدگاه معظم له جمهوری اسلامی به دنبال این است که کشور و جامعه خود را طبق نظر اسلام بسازد که در آن عدل و داد، آزادی فکر و اندیشه، رشد و شکوفایی استعدادها، اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی، عدم فقر و فساد و تبعیض، احساس شرف و افتخار و امید، کسب علم و الگو برای سایر ملت‌ها باشد [۱].

۲- رهبر معظم انقلاب رعایت تقوی و کسب هرچه بیشتر معنویت را عامل تضمین کننده حرکت جامعه در مسیر اسلامی می‌دانند. در واقع از دیدگاه معظم له تقوی تنها برای آباد کردن آخرت نیست؛ بلکه امورات دنیوی جامعه اسلامی را نیز سامان می‌دهد و مانع انحرافات می‌شود.

۳- مقام معظم رهبری در مدیریت جامعه اسلامی همواره سعی کرده‌اند یاد و راه امام خمینی (ره) را زنده نگه دارند و بر لزوم حرکت در مسیر آرمانهای امام راحل تأکید کنند؛ چرا که به بیان ایشان «ما همان سیاست‌هایی را که امام بزرگوار با الهام از متن اسلام و قرآن، به انقلاب اسلامی و به ملت ایران تعلیم داد و آن خطی را که او ترسیم کرده، دنبال می‌کنیم».

۴- مردم داری دیگر اصل مهم مدیریتی رهبری است. از دیدگاه معظم له در نظام اسلامی رهبر و مردم با یکدیگر و در کنار هم مشکلات را حل کرده و راه رشد و تعالی را طی می‌کنند.

۵- رهبر معظم انقلاب مساله تولید علم و جهاد علمی را به عنوان یکی از نیازهای اساسی کشور همواره مطرح کرده‌اند. از دیدگاه ایشان عزت، استقلال و امنیت بلندمدت کشور از مسیر علم عبور می‌کند و این مساله غیرقابل تردید است. [۲]

۶- یکی دیگر از خطوط اصلی مدیریت مقام معظم رهبری هشدار دادن در مورد تهاجم فرهنگی است که از همان سالهای اولیه بعد از پایان جنگ این هشدارها وجود دارد. رهبر معظم انقلاب از همان سال ۱۳۶۸ در مورد ابزارهای فرهنگی دشمن برای مقابله با نظام اسلامی هشدار می‌دادند. در تاریخ (۱۳۶۹/۹/۱۴) معظم له با هشدار به اینکه در زمینه اداره فرهنگی کشور دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم، تحرکات دشمن در استفاده از فرهنگ برای مقابله با نظام اسلامی را گوشزد می‌کنند.

۷- دشمن شناسی نیز اصلی مهم در مدیریت جامعه توسط مقام معظم رهبری است. رهبر معظم انقلاب با بیان این حدیث از امام علی (ع) که «اگر تو خوابت ببرد دشمن خوابش نخواهد برد» همواره هوشیاری مردم و مسئولان را نسبت به وجود دشمن حفظ کرده‌اند.

۸- تأکید و توجه به حفظ وحدت دیگر محور مدیریتی رهبری است. ایشان لزوم دارا بودن وحدت را در سه سطح مطرح می‌کنند: وحدت مردم با یکدیگر، وحدت مردم با مسئولان و وحدت مسئولان با همدیگر.

۹- مقام معظم رهبری در مدیریت کشور، توجه خاصی به جهت‌گیریهای اقتصادی داشته و حتی ایشان عملاً مدیریت تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را بر عهده داشته‌اند و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مربوط به خصوصی‌سازی را هم ابلاغ نموده‌اند. از دیدگاه ایشان جهت‌گیریهای اقتصادی کشور باید پیشرفت و عدالت را با هم در نظر بگیرد و بر مبنای الگو و مدل اسلامی- ایرانی باشد نه مدل‌های وارداتی. همچنین از نظر ایشان مبارزه با فساد باید یکی از محورهای اصلی مدیریت اقتصادی کشور باشد.



تحلیل عملیاتی مدیریت مقام معظم رهبری

تحلیل مدیریت مقام معظم رهبری در عرصه عمل و واقعیت نیازمند تألیفات زیادی است؛ اما در اینجا چگونگی مدیریت و حل مسائل و چالش های اصلی جامعه ایران که از زمان آغاز رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (سال ۱۳۶۸) توسط ایشان انجام شده است را به ترتیب زمانی و به اختصار می آوریم:

۱- بعد از پایان جنگ تحمیلی و کاهش یافتن خطر تهاجم خارجی، مسائل فکری - فرهنگی در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به مهم ترین مسئله کشور تبدیل شد. با پایان یافتن جنگ تحمیلی اختلافات سیاسی و سلیق سیاسی متفاوت دو جناح سیاسی راست و چپ آغاز شد و هر گروه سلیقه و روش خاص خود را در اداره کشور برتر تلقی می کرد. در این شرایط رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با تأکید بر آرمانها و خط و اندیشه امام خمینی (ره)، همگان را به وحدت دعوت کردند. ایشان در اولین اقدام مسؤولان کشور را متوجه دو وظیفه بزرگ نمودند: ۱- حفظ صلابت و ابهت و عزت انقلاب و ادامه دادن راه امام با قاطعیت و عدم تسلیم باج خواهیهای دشمنان اسلام و انقلاب، ۲- سازندگی و آبادانی کشور در تمام ابعاد مادی و معنوی آن. مهم اینکه معظم له تحقق این دو وظیفه را در گرو حفظ وحدت می دانستند و حفظ وحدت آنچنان با اهمیت بود که از نظر ایشان هر نوع رفتار و گفتار اختلاف آمیز ممنوعیت دینی و شرعی پیدا می کند. تأکیدات ویژه مقام معظم رهبری بر حفظ وحدت و بیان اندیشه و راه حضرت امام و استفاده از این مضامین در ارشاد گروهها و جریانان سیاسی و کارگزاران نظام، سبب شد تا دشمن خارجی گمان نکنند با رحلت حضرت امام (ره) کشور دچار بحران شده و رخنه گاه ضربه زدن به نظام باز است.

۲- پدیده دیگری که بعد از جنگ تحمیلی در کشور گسترش یافت، افزایش تعداد مطبوعات و حلقه های روشنفکری و بروز و ظهور آراء و عقاید مختلف در حوزه فرهنگی (دین و سیاست، هنر، ادبیات و...) بود. در مجموع این اندیشه ها علاوه بر دامن زدن به اختلافات و ترسیم خطوط موازی در کنار خط حضرت امام (ره)، رخنه گاه نفوذ افکار و عقایدی می شد که اصل اندیشه ولایت فقیه و پیوند دین و سیاست را زیر سؤال می برد. از سوی دیگر فضای فکری - فرهنگی که این اندیشه ها دنبال می کردند، فضایی بود که در آن ارزش های غربی زودتر نهادینه می شد و در یک کلام مزرعه رشد تهاجم فرهنگی به حساب می آمد. رهبر معظم انقلاب در چنین شرایطی برای برون رفت نظام اسلامی از این چالش ها و خطرات تدابیر و تلاش های زیادی را داشتند. معظم له از همان روزهای اولیه رهبری جامعه اسلامی، هشدار در مورد بحران های فرهنگی و "تهاجم فرهنگی" را همواره در دستور کار قرار دادند و از دولت ها و مسؤولان وقت می خواستند تا برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن موارد ذیل را عملیاتی کنند: - معرفی و دفاع از ارزش ها و آرمانهای انقلابی توسط مطبوعات؛ - مراقبت مسؤولان از نفوذ افراد دوستدار فرهنگ آمریکایی در دستگاه های کشور؛ - استفاده از نیروهای مؤمن برای کارهای فرهنگی و جلوگیری از انزوای آنها در دستگاه های فرهنگی (آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد و...) - استفاده از نیروهای بسیجی به عنوان شایسته ترین افراد ملت؛ - لزوم امر به معروف و نهی از منکر همگانی؛

رهبر معظم انقلاب فراتر از توصیه به دولت ها و هشدار دادن در مورد تهاجم فرهنگی، خود مدیریت دو اقدام مهم را بر عهده گرفتند که نقش پایه ای در مقابله با تهاجم فرهنگی داشت. این دو اقدام عبارتند از: راه اندازی و مدیریت نهضت نرم افزاری و تولید علم؛ تقویت هنر و شعر انقلابی از طریق تشویق هنرمندان و شعرای انقلابی و دیدار و توصیه های مکرر با آنها.

۳- در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی و آغاز سازندگی کشور بعد از جنگ، طیف جدیدی از کارگزاران که از آنها به فن سالاران تعبیر می شد، به بوروکراسی اداری و مدیریت های شهری کشور وارد شدند که هدف اولیه خود را آبادانی و رشد و توسعه عمرانی و اقتصادی می دانستند. با ورود این افراد، فضای انقلابی و ارزشی دفاع مقدس در محیط دولتی و مدیریتی کشور کم رنگ شد و توسعه اقتصادی اولویت اول قرار گرفت. در چنین محیطی سرمایه داری و انباشت سرمایه، تجمل گرایی و ارتقاء سطح زندگی مدیران بالای



جامعه و کسب امتیازات اقتصادی ویژه توسط آنها آرام آرام به مساله‌ای رایج تبدیل شد. نمونه بارز این مساله را در زمان مدیریت کرباسچی در شهرداری تهران می‌توان دید.

بنابراین رهبر معظم انقلاب به صورت جدی در مقابل این پدیده ایستادند و نسبت به بروز آن اعلام خطر و نارضایتی کردند. ایشان طی این دوره با ادبیات بسیار جدی که گویای نارضایتی از واقعیت‌های موجود است - نسبت به خطر اشرافیت و رواج دنیاطلبی در میان مسؤولان هشدارهای مکرر دادند. معظم‌له علاوه بر هشدار دادن به کارگزاران نظام در مورد پرهیز از تجمل‌گرایی، نیروهای ارزشی و انقلابی را دعوت کردند تا با بصیرت در صحنه تبلیغ آرمانها و ارزش‌های انقلاب اسلامی حاضر باشند و حداقل مردم را نسبت به عواقب دنیاگرایی و تجمل‌گرایی هوشیار کنند.

۴- با فرا رسیدن انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ و پیروزی سید محمد خاتمی در این انتخابات شرایط جدیدی در کشور به وجود آمد و گروه‌های سیاسی که خود را اصلاح طلب می‌نامیدند قوه مجریه را بر عهده گرفتند. طی این دوره مهم‌ترین هدف گروه‌های سیاسی اصلاح طلب تجدید نظر در اصول انقلاب اسلامی و ارائه تفسیر جدید از اندیشه امام(ره) بود که در واقع تفسیری منحرفانه به حساب می‌آمد. هدف آنها توسعه احزاب و گروه‌های سیاسی، توسعه آزادی، توسعه مطبوعات و... بود که نتیجه آن نهادینه کردن ارزش های لیبرالی و فرهنگ غربی در کشور می‌شد. این جریان سیاسی و فرهنگی زمینه به حاشیه رفتن اندیشه اسلام ناب و تفکر اصیل امام خمینی(ره) و تقویت اندیشه ها و ارزش های غربی را فراهم می‌کرد. در مقابل این جریان رهبر معظم انقلاب با هوشیار کردن نیروهای انقلابی، نقد عالمانه این تفکرات و هشدار دادن به کارگزاران دولت نه تنها از اندیشه و خط اصیل امام خمینی(ره) پاسداری می‌کردند؛ بلکه جریانات سیاسی طرفدار انقلاب و نظام را با روشنگریها و هدایت‌های خود به صورت منسجم و با تفکر پویاتری در راه دفاع از انقلاب هوشیار نمودند.

۵- مشخصه بارز دوران هشت ساله دولت خاتمی موسوم به دولت اصلاحات، افزایش التهابات سیاسی کاذب در جامعه و بدتر از آن تاثیرپذیری برخی تصمیمات در بوروکراسی اداری و میان نیروهای اداری و فرهنگی جامعه از این برداشتها و تصورات سیاسی کاذب بود. در این شرایط مقام معظم رهبری همواره این جبهه‌بندی سیاسی و اصلاحاتی نظیر اصلاح طلب در مقابل محافظه کار، چپ در مقابل راست را رد می‌نمودند و بر وحدت جناح‌های سیاسی تاکید داشتند. از دیدگاه ایشان «این جناح‌بندیها غیر واقعی و بی‌معناست و تنها ملاک حقیقی برای ارزیابی افراد و گروهها اهتمام یابی مبالاتی به ارزشها و معیارهای ارزشی است.» [۳]

کارگزاران دولت خاتمی و شخص وی از هر فرصتی برای تبلیغ موضوعاتی نظیر جامعه مدنی، گسترش احزاب و گروه‌های سیاسی، گسترش مطبوعات و آزادی قلم و بیان و... استفاده می‌کردند. اما باز هم یک درک واحد و برداشت شفاف از مفاهیم مذکور وجود نداشت و طرفداران این ایده‌ها خواسته‌های شفاف و منسجمی نداشتند و این مسأله علاوه بر بروز اختلافات فکری و حتی سیاسی، سبب ملتبه شدن جامعه و دور شدن دولت از رسیدگی به نیازهای واقعی مردم و نیز به حاشیه رفتن اندیشه های ناب امام خمینی می‌شد. در چنین شرایطی رهبر جامعه اسلامی می‌بایست، تفکر حاکم بر دولت اصلاحات و اندیشه‌های پیرامونی آن را که برخی از آنها منحرفانه بود، اصلاح نموده و مانع انحراف در اندیشه جمهوری اسلامی و تفکر ناب امام راحل شوند. از این رو به تعریف اصلاحات واقعی پرداختند و در جمع کارگزاران نظام (۱۹ تیر ۱۳۷۹) فرمودند: «در اجرای اصلاحات حفظ ساختار قانون اساسی و منشاء بودن اسلام برای قوانین و ساختارها و گزینش‌ها باید به طور دقیق مورد توجه قرار گیرد. طبق قانون اساسی اسلامیت بر همه‌ی اصول حاکم است و باید در اصلاحات رعایت شود. با هرگونه تندوری باید مقابل شود و اجازه داده نشود خارجیها و غربیها در این کار دخالت کنند.» ایشان همچنین اصلاحات واقعی را مقابله با فقر، فساد و تبعیض دانسته و تلاش زیادی کردند تا مانع از شکل‌گیری اصلاحات با مدل و رویکرد غربی در کشور شوند. محاصل این تلاش‌ها و هدایت‌های رهبری، به حاشیه رانده شدن اندیشه‌های انحرافی از فضای فرهنگی جامعه و مسلط شدن گفتمان دفاع از انقلاب و ارزش های اسلامی و حل مشکلات واقعی مردم در فضای سیاسی - فرهنگی جامعه بود.

۶- اما در دوران ریاست جمهوری خاتمی چالش های مهمی در کشور بروز کرد. غائله ۱۸ تیر، قتل های زنجیره ای، تحصن نمایندگان مجلس ششم و سایر اغتشاشات در برخی نقاط کشور که به سبب دیدگاههای رادیکال اصلاح طلبان رخ می‌داد، از جمله این موارد بود. رهبر معظم انقلاب در مقابل این چالش های حساس تلاش های ذیل را بر خنثی کردن آنها انجام دادند:



۶-۱- در قضیه ۱۸ تیر که عده ای از افراد خودسر به خوابگاه دانشجویان حمله کرده بودند و باعث متشنج شدن اوضاع شده بودند، معظم له طی سخنرانی حمله به کوی دانشگاه توسط عناصر خودسر را محکوم کرده و تاکید کردند که با عوامل این کار چه از نیروهای انتظامی باشند و چه غیر آن باید برخورد شود و متخلف مجازات شود. به دنبال این مساله افراد متخلف حتی از نیروی انتظامی محاکمه و مجازات شدند.

۶-۲- ایشان برای پایان دادن به این بحران نه از نیروهای نظامی و انتظامی، بلکه از مردم خواستند تا در صحنه حضور یابند. چرا که اکثریت ملت طرفدار نظام و انقلاب بوده و طیف سیاسی محدودی برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به چنین اقداماتی می‌زنند. بعد از بیانات روشنگرانه رهبری، سیل خروشان ملت در ۲۳ تیر ۷۸ در سطح کشور در دفاع از نظام و لبیک به رهبری راهپیمایی نموده و ثابت کردند که تبلیغات رسانه‌ای اصلاح‌طلب و بیگانگان مبنی بر دور شدن مردم از انقلاب و نظام، فریبی بیش نیست. با حضور گسترده و میلیونی مردم در این راهپیمایی نقش رهبری در مدیریت بحران و تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها نمایان شد.

۶-۳- اقدام دیگر رهبری هشدار به مسئولان و گروههای سیاسی بود. ایشان اخطار دادند که باید مسئولان و نیروهای اختلافات سیاسی جزئی را کنار بگذارند و بر سر فضایی بیهوده با یکدیگر مشاجره نکنند تا دشمن نتواند سوءاستفاده کند.

۶-۴- بعد از غائله ۱۸ تیر، مقام معظم رهبری تشکلهای سیاسی مختلف را جدا جدا دعوت کردند و طی ۵۰ ملاقات و دیدار حضوری با سران احزاب، گروهها، انجمن‌ها و نمایندگانی از حوزه و دانشگاه نسبت به ضرورت وفاق میان نیروهای نظام تذکر دادند و از آنها خواستند تا وحدت و یکدلی را در عرصه سیاسی کشور فراهم کنند تا این گونه چالش‌ها به وجود نیایند. بعد از این تدبیر رهبری گروههای اصولگرا و طرفدار ارزش‌های اسلامی با یکدیگر متحد شده و توانستند در انتخابات شوراها، مجلس و ریاست جمهوری اصلاح طلبان را کنار زده و عرصه سیاسی کشور را از مجادلات سیاسی بیهوده و چالش‌زا به سوی حل مشکلات معیشتی مردم تغییر دهند.

۷- با پیروزی اصول‌گرایان در مجلس هفتم و ایفای نقش مطلوب در حل مشکلات کشور، افکار عمومی به سوی آنان اقبال نشان داد. این اقبال خود را در انتخابات ریاست جمهوری نهم بیشتر نمایان کرد و نامزد اصول‌گرا در این انتخابات دکتر احمدی نژاد، توانست بر نامزد اصلاح طلبان و کارگزاران (هاشمی رفسنجانی) پیروز شود. با این پیروزی مشاجرات سیاسی و روزنامه‌ای دوران اصلاحات پایان یافت و به تبع آن چالش‌های سیاسی در عرصه اجتماع هم کمرنگ شد و توان دولت در جهت کار کردن برای حل مشکلات واقعی کشور و مردم قرار گرفت. با فراهم شدن چنین شرایطی گروههای سیاسی اصلاح طلب هم به جهت مخالفت با رویکرد کلی دولت و هم به سبب انتقاد به روشهای مدیریتی و اجرایی دولت، انتقادات زیادی را به دول وارد کردند به گونه‌ای که دولت در معرض یک هجمه و حمله تبلیغاتی با انواع و اقسام انتقادات و ایرادات غیرکارشناسی و غیر منصفانه قرار گرفت. البته تمامی این انتقادات غیر کارشناسی نبود؛ اما هدف عمده منتقدین و مخالفان دولت از طیف اصلاح طلب، ناکارآمد و ناتوان نشان دادن دولت بود. در این میان رهبر معظم انقلاب از رویکرد و جهت‌گیری دولت با قاطعیت دفاع نمودند و در سخنرانی‌های متعدد از رویکرد عدالت محوری دولت و تلاش آن در رسیدگی به فقرا و مبارزه با فساد دفاع کردند. ضمن اینکه معظم له در دیدار با اعضای دولت توصیه‌های زیادی را جهت کاهش خطاها و مطلوب شدن روش‌های اجرایی داشتند و همواره تاکید می‌نمودند که دولت از انتقادات کارشناسی شده و از نظر کارشناسان و نخبگان استفاده کند. با فرارسیدن ایام انتخابات دهم ریاست جمهوری، مخالفان دولت احمدی نژاد با مخالفان نظام جمهوری اسلامی همسو شده و چون ایده کنار زدن حتمی احمدی نژاد از قدرت را در سر داشتند، برنامه‌هایی را قبل و بعد از انتخابات دنبال کردند که نتیجه آن ضربه زدن به نظام و پیش بردن اهداف دشمن در داخل کشور بود. عدم موفقیت نامزد اصلاح طلبان، موسوی، در انتخابات دهم ریاست جمهوری سبب شد تا وی و هوادارانش از اصلاح طلبان شایعه تقلب در انتخابات را مطرح کرده و در حالیکه هیچ گونه سند و مدرک اطمینان بخشی برای این ادعا نداشتند، دست به شورش و اغتشاش بزنند. آنها با زیر پا گذاشتن قانون و راهکارهای قانونی، چندین هفته به اغتشاش و شورش در تهران و شهرهای بزرگ پرداختند و در مقابل نظام قد علم کردند. در مقابل این فتنه گران و قانون شکنان، رهبر معظم انقلاب اسلامی با مدیریت اسلامی خود، نظام را حفظ کرده و نه تنها نگذاشتند این حوادث نظام را به خطر اندازد، بلکه از این تهدیدات، فرصت افزایش پشتوانه مردمی نظام را فراهم نمودند. در ذیل به بررسی خطوط اصلی مدیریت مقام معظم رهبری در این تحولات می‌پردازیم:



۷-۱- اولین محور کاری فتنه گران زیر سؤال بردن سلامت انتخابات بود که معظم له از همان ابتدا در مقابل این موضوع ایستادند و طی سخنرانی های مختلف تأکید کردند که انتخابات در کشور ما از سلامت کافی برخوردار است و نباید نسبت به آن ابراز نگرانی کرد.

۷-۲- حوزه دیگری که رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه انتخابات بدان پرداختند، تبیین و تحلیل سناریوها و اهداف دشمن در انتخابات پیش رو بود. معظم له در سخنرانی های متعدد در این زمینه نکات مهمی را در مورد اهداف دشمن در انتخابات فرمودند و نیروهای انقلابی را نسبت به آن هوشیار نمودند.

۷-۳- رهبر معظم انقلاب همانند سنت همیشگی و از باب امر به معروف و نهی از منکر توصیه های مهمی را به نامزدها انتخاباتی داشتند تا لوازم برگزاری یک انتخابات سالم فراهم و حجت بر همگان تمام شود. ایشان خطاب به نامزدها فرمودند که مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. همچنین فرمودند که نامزدها رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند و اذهان عمومی را تخریب نکنند.

۷-۴- بعد از اتمام انتخابات و آگاهی نامزد اصلاح طلبان (موسوی) از ناکامی خود، طرح های هواداران وی و فعالیت های شخص او برای ایجاد ناآرامی و اغتشاش به مرحله اجرا درآمد. در مقابل این رفتارها که سبب ناامنی در کشور و حمله به بانک ها و آشوب های خیابانی شد، مقام معظم رهبری اقدامات ذیل را برای خنثی کردن این فتنه انجام دادند:

❖ حفظ عظمت حضور مردم در انتخابات و جلوگیری از زیر سؤال رفتن این سرمایه ارزشمند؛

❖ جلوگیری از تحت الشعاع قرار گرفتن اصل نظام در مقابل تبلیغات گسترده فتنه گران و رسانه های دشمن؛

❖ هوشیار نمودن نخبگان و درخواست از آنها برای حضور در صحنه دفاع از نظام؛

❖ هوشیار نمودن مردم و بر ملاکردن ماهیت اصلی این اغتشاشات و بهره برداری دشمن برای ضربه زدن به نظام از این شرایط؛

❖ بر ملا نمودن نفاق موجود در میان فتنه گران که قصد داشتند از این راه مردم را فریب دهند؛

❖ قرار دادن فتنه گران در مقابل استدلالات منطقی و بر ملا کردن پوچی ادعاهای آنها؛

❖ تأکید بر رعایت قانون و دفاع از جایگاه قانون و کوتاه نیامدن در مقابل خواسته های غیر قانونی جریان فتنه؛

❖ جلوگیری از خود سرریها و اقدامات خارج از قانون هرچند که با نیت دفاع از نظام باشد.

این هدایت ها و تلاش های ویژه ی مقام معظم رهبری و اطاعت نیروهای ولایی در این عرصه از ایشان، سبب شد تا فتنه هایی که در ابتدا کام شیرین ملت از انتخابات راتلخ نمود، در پایان بار دیگر شیرینی مضاعفی برای ملت و دلسوزان نظام اسلامی به ارمغان آورد که پشتوانه مردمی نظام اسلامی را مستحکم تر نمود. دشمن به همراه فتنه گران داخلی امیدوار بود با این بلواها وجهه و جایگاه مردمی نظام اسلامی را تضعیف کند تا ضربات بعدی را وارد کند؛ اما با هدایت ها، رهنمودها، تلاش های عملی مدیریتی مقام عظمای ولایت - که تداعی کننده ویژگی های ناب مدیریت اسلامی است- این فتنه ها به حمایت گسترده تر و البته هوشیارانه تر مردم از نظام اسلامی انجامید. دشمن و فتنه گران داخلی با مشاهده این حضور مردمی در روز ۹ دی و ۲۲ بهمن پی به پوچی طرح ها و اقدامات خود برده و خود را ناکام دیدند.



